

مهریه از دیدگاه اسلام

زهره قادری

ستاد نشر رسانه‌ای مرکز فرهنگ و معارف قرآن

از مسائل مهم مرتبط با حقوق زن، مهریه است. مفهوم‌شناسی مهریه، جایگاه، مقدار و... از موارد قابل بحث است که در این مقاله به بخشی از آن می‌پردازیم.

مفهوم‌شناسی مهریه

«مهر» به فتح میم در لغت، کابین یا دست پیمان گویند و آن مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌گردد (۱) لفظ «مهر» که جمع آن «مهور» است از ریشه مهر به ضم میم و فتح هاء که واژه‌ی عربی است اخذ شده است. (۲)

مهریه در قرآن

چنانکه از فرهنگ موضوعی قرآن کریم بر می‌آید کلمه‌ای مهر عیناً در قرآن مجید به کار نرفته است. (۳) بلکه در قرآن از مهر به عنوان «صدقات» در آیه‌ی چهارم از سوره نساء یاد شده و در آیات مختلف تحت عنوان «اجور» آمده است و اطلاق اجور بیشتر در مورد متعه و ازدواج با کنیزان است. (۴) اما کلمه‌ی دیگری نیز که به جای مهر به کار می‌رود «صداق»، به فتح اول یا کسر اول است که آن را نیز این گونه تعریف کرده‌اند که: «مالی است که مرد در عقد ازدواج به زن می‌دهد.» و آیه‌ی چهارم سوره‌ی مبارکه‌ی نساء به آن اشاره دارد: «آتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَةً» صدقه، به ضمّ دال، از ماده‌ای صدق است و بر آن جهت به مهر صداق گفته یا صدقه گفته می‌شود که نشانه‌ی راستین بودن علاقه‌ی مرد است، بعضی از مفسرین مانند صاحب کشاف به این نکته تصریح کرده‌اند. (۵) مهر علاوه بر صداق و اجرت، فریضه (۶) نامیده می‌شود. مانند کلام قرآن مجید: «و ان طلقتموهن من قبل ان تمسوهن و قد فرضتم لهنّ فریضهً فنصف ما فرضتم.» اما کلمه نحلّه در سوره‌ی مبارکه‌ی نساء آیه‌ی ۴ (۷) کاملاً تصریح می‌کند که مهر هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی و عطیه و هدیه ندارد. (۸)

جایگاه مهریه

یکی از سنن بسیار کهن در روابط خانوادگی بشری این است که مرد هنگام ازدواج برای زن مالی را به عنوان مهر قائل می‌شده است و چیزی از مال خود به زن یا پدرزن خویش می‌پرداخته است. (۹) در بیشتر اقوام معمول بوده که شوهر آینده قبل از ازدواج به ولیّ زن یا به خود زوجه‌ی آینده هدیه‌هایی می‌داده است. در کیش یهود مبلغی به عنوان «خطوبا» که همسان ریشه خطبه به کسر اول یعنی خواستگاری است می‌داند و مهر را به خود زن تسلیم می‌کردند. (۱۰)

مقدار مهریه

امام باقر فرمودند: «الصداق ما تراضا علیه قل او کثر» (۱۱) یعنی آنچه طرفین ازدواج به آن راضی می‌شوند کم باشد یا زیاد همان مهریه است. البته مهریه تا هر اندازه چه باشد اشکالی ندارد. سوره‌ی مبارکه نساء آیه‌ی ۲۰؛

«و ان اَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ وَاٰتَيْتُمْ اِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَاْخُذُوْا مِنْهٗ شَيْئًا اَتَاْخُذُوْنَهُ بُهْتَانًا وَاَنْتُمْ مُّبِيْنًا؛

اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر به جای او اختیار کنید و مال بسیاری مهر او کرده‌اید البته نباید چیزی از او باز گیرید آیا بوسیله تهمت زدن به زن مهر او را می‌گیرند و این گناهی فاش و زشتی اینکار آشکار است.» دلیل است بر آن که زیاد بودن مهریه تا هر اندازه هیچ اشکالی ندارد. اما دلایل دیگری نیز هست که می‌تواند به صورت وجوب یا استحباب اندازه‌ی مهریه را تحدید کند. مثلاً اگر زیاد بودن مهریه ایجاد عسر و حرج می‌کند یا اگر مانع ازدواج دختر باشد و او را به امر نامشروع به کشاند یا نوعی اسراف و تبذیر و تجملات ناروا در جامعه ایجاد کند. که برای تشخیص موارد آن‌ها باید به فتوای اهل فتوی مراجعه نمود.

بهتر بود در این مسئله بجای آنکه این همه بر روی حدّ مهر تاکید شود که هیچ حدی ندارد (خصوصاً در روزگار کنونی که بر اثر چشم و هم چشمی تعیین مهریه بالاتر موجب افتخار و سرافرازی است) بیشتر بر روی این مسئله تاکید شود که مهر مقداری تأکید شود که مهر مقداری تعیین شود که خود پسر توانایی آن را حتی در آن لحظه دارد پس به نظر من شاید اگر «مقدار مهریه» به کل حذف شود بهتر باشد.

نپرداختن مهریه

نپرداختن مهریه که ملک خاصّ زن است در قرآن مجید به نام ظلم و گناه آشکار خوانده شده است. نه تنها مهریه را باید اداء کرد بلکه هر مال و ملک دیگر زن را، و چون بعضی خیال می‌کردند و شاید هم خیال کنند که مهریه یک حق سرسری است که می‌توان از پرداختن آن طرفه رفت خداوند متعالدر آیه‌ی کریمه تأکیداً هشدار داده است که چنین نیست و مهریه ملک و مال زن است و نپرداختن مهریه یا باز پس گرفتن آن ظلم و گناه آشکار است. مهریه زن نحلّه و عطای خداوند است که به او داده شده است و مرد هیچ منّتی بر او ندارد؛ مالی که خداوند به زن عطا فرموده و در عهده مرد قرار داده تا به او بدهد مگر آن که با رغبت و میل چیزی از آن را به مرد ببخشد. (۱۲) گفتیم که مهریه عطیه الهی و مال خاص زن است و هیچ کس بی‌رضای او حق تصرف در آن را ندارد از امام رضا(ع) درباره‌ی مردی که دختر خود را تزویج کرده پرسیدند: که آیا می‌تواند در مهریه او تصرف کند؟ فرمودند روا نیست. (۱۳) امام صادق (ع) فرمودند: پیغمبر اکرم (ص) فرموده، خداوند هر گناهی را در روز قیامت می‌بخشد مگر مهریه‌ی زن را که اگر نداده باشند و کسی را که مزد کارگر را خورده باشد و کسی را که آزادی را فروخته باشد. (۱۴) سیستم مهریه اسلام خاصّ خودش است. یکی از مسلمات دین اسلام این است که مرد حقّی به مال زن ندارد. نه می‌تواند به او فرمان دهد که برای من فلان کار را بکن و نه اگر زن کاری کرد که به موجب آن کار ثروتی به او تعلق گرفت مرد حق دارد که بدون رضای زن در آن ثروت تصرف کند و از این جهت زن و مرد وضع مساوی دارند. و بر خلاف رسم معمول در اروپای مسیحی که تا اوایل قرن بیستم رواج داشت، زن شوهردار از نظر اسلام در معاملات و روابط حقوقی خود تحت قیمومیت شوهر نیست، در انجام معاملات خود استقلال و آزادی کامل دارد.

نگاهی به آیات الاحکام در باب مهر روشن‌ترین آیه در باب مهر آیه‌ی ۴ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء است که می‌فرماید: «و اتوا النساء صدقاتهنّ نحلّه فان طبن لکم عن شیء منه نفساً فکلوه هنئلاً مریئاً.» یعنی صدق «مهریه» زنان را به طیب خاطر بدهید پس اگر آنان چیزی از آن را به میل خود گذشت کردن بخورید گوارا و سازگار. برخی از مفسران گفته‌اند که چون برقراری مهر برای زنان عطیه الهی است تحت عنوان نحلّه معرفی شده است. اما گروهی دیگر بر این عقیده هستند که مهر را در جاهلیت به اولیاء زن می‌پرداخته‌اند آیه‌ی قرآنی حکم کرده است که مهر عطیه مخصوص زنان است. به نظر می‌رسد که نحلّه‌ی معرف مهر، به عنوان اولین هدیه‌ایست که موجبات ترضیه خاطر زن را فراهم می‌کند. (۱۵) بعضی عقیده دارند (۱۶) از این آیه‌ی شریفه می‌توان استحباب پرداخت مهر را در هنگام وقوع عقد استفاده کرد و همچنین آیه بر لزوم مهر به مجرد عقد ازدواج دلالت دارد. اما شاید فعل امر «آتوا» دلالت بر وجوب مهر هنگام عقد دارد. البته به حکم آزادی اراده در قراردادها که شرح از آن بر تراضی تعبیر شده است ممکن است مهر در ذمه‌ی مرد قرار گیرد و همچنین تعیین مهر در موقع وقوع عقد ازدواج لازم نیست و حتی ممکن است تعیین مقدار مهر به شخص ثالث واگذار شود و این وضع در اصطلاح فقهی «تفویض مهر» نامیده می‌شود. هرگاه مقدار مهر تعیین نشده باشد مهرالمثل به معنی مهری که مناسب شأن زنان همانند باشد مقرر می‌گردد. به موجب عبارت «و ان تتبعوا باموالکم» که در آیه‌ی بیست و نهم از سوره‌ی مبارکه‌ی نساء مندرج است مهر باید مالیت داشته باشد، مال عبارت است از هر چیز مباحی که مورد رغبت قرار

گیرد و اعم از عین و منفعت می‌باشد. بنابراین شخص می‌تواند تعلیم فن یا حرفه و یا آموزش سوره‌ی قرآن و یا خدمت خود را مهر قرار دهد. به موجب آیه‌ی بیست و هفتم از سوره مبارکه‌ی قصص شیخ مدین دختر خود را با موسی تزویج کرد و مهر او را اجیر شدن موسی قرار داده، ضمناً از این آیه استفاده می‌شود که پدران در اوضاع مناسب می‌توانند نکاح دختران خویش را پیشنهاد کنند. به موجب آیه‌ی ۲۳۶ از سوره مبارکه‌ی بقره اگر طلاق پیش از مباشرت با زن و پیش از تعیین مهر واقع گردد، مرد باید مطابق با وسع خویش به زن مالی بدهد که چون این حکم با لفظ «متعه» بیان شده آن را «مهر المتعه» اصطلاح کرده‌اند، اما هرگاه مهر تعیین نشده و مباشرت حاصل نشده باشد مرد باید نصف مهر المثل را بپردازد و در صورت معین بودن مهر، نصف مهر المسمی یعنی نصف همان مهری که مقرر گردیده است به زن پرداخته می‌شود و پس از مباشرت تمام مهر مستقر می‌گردد مگر این که زنان یا اولیاء آنان مهر را عفو کنند. زن می‌تواند از تمام مهر خود بگذرد اما ولی زن که در جهت مصلحت زن ولایت دارد، حق گذشتن از تمام مهر را ندارد. منتها در مورد طلاق خلع و مبارات زن بابت فدیة و آزادی خویش از تمام یا قسمتی از مهر خود می‌گذرد. آیه ۲۰ و ۲۱ سوره مبارکه‌ی نساء «و ان اردتم استبدال زوج و ائتیم احدهن...» این آیات دلالت دارند بر این که صدق هر قدر زیاد باشد اشکالی ندارد و اگر به قدر مهر السنه باشد بهتر است و تمام مهر را باید به زن رد کرد و به دخول تمام صدق بر عهده‌ی مرد مستقر می‌شود (۱۷) آیه‌ی ۲۳۶ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره چنین است که اگر شخص همسرش را قبل از هم بستر شدن پیش او تعیین مهریه طلاق دهد اشکالی بر او نیست یعنی پرداخت مهریه لازم نیست یا پس از طلاق استرداد بر زن لازم نیست.

در آیه‌ی ۲۳۷ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره آمده است :

و اگر زن‌ها را طلاق دهید پیش از آن که با آن‌ها مباشرت کنید در صورتی که بر آنان مهر مقرر داشته‌اید بایستی نصف مهری را که معین نموده‌اید به آن‌ها بدهید مگر آن که آن‌ها خود یا کسی که امر نکاح بدست اوست گذشت کنند و اگر در گذرند به تقوی و خدا پرستی نزدیک‌تر و فضیلت‌هایی که در نیکویی به یکدیگر است فراموش نکنید و بدانید که خداوند به هر کار نیک و بد شما آگاه است.» آیه صریح است بر این که اگر طلاق قبل از نزدیکی صورت بگیرد مرد فقط نصف مهریه را باید بپردازد.

مهریه در جاهلیت

در عصر جاهلیت نظر به اسن که برای زنان ارزشی قائل نبودند، غالباً مهر را که حق مسلم زن بود در اختیار آنها قرار داده و آن را ملک مسلم آنها می‌دانستند. گاهی نیز مهر یک زن را ازدواج زن دیگری قرار میدادند به این گونه که مثلاً برادری، خواهر خود را به ازدواج دیگری در می‌آورد که او هم در مقابل، خواهر خود را به ازدواج وی در آورد، و مهر این دو زن همین بود. اسلام بر تمام این رسوم ظالمانه خط بطلان کشید، و مهر را به عنوان یک حق «مسلم» به زن اختصاص داد، و در آیات قرآن کراراً مردان را به رعایت کامل این حق توصیه کرده است. در اسلام برای مهر مقدار معینی تعیین نشده است و بسته به توافق دو همسر است اگر چه در روایات فراوان تأکید شده که مهر را سنگین قرار ندهند ولی این یک حکم الزامی نیست بلکه مستحب است.

فلسفه‌ی مهریه

اکنون این سؤال پیش می‌آید که مرد و زن هر دو از ازدواج و زناشویی بطور یکسان بهره میگیرند و پیوند زناشویی پیوندی است بر اساس منافع متقابل طرفین، با این حال چه دلیلی دارد که مرد مبلغ کم یا زیادی به عنوان مهر به زن بپردازد؟ آیا این موضوع به شخصیت زن لطمه نمی‌زند؟ و شکل خرید و فروش به ازدواج نمی‌دهد؟ روی همین جهت است که بعضی به شدت با مسأله مهر مخالفت میکنند، مخصوصاً معمول نبودن مهر در میان غربیها برای غرب زده‌ها به این فکر دامن می‌زند، در حالی که نه تنها حذف مهر به شخصیت زن نمی‌افزاید بلکه وضع از راه مخاطره می‌افکند. توضیح اینکه درست است که مرد و زن هر دو از زندگی زناشویی بطور یکسان سود می‌برند ولی نمی‌توان انکار کرد که در صورت جدایی زن و مرد، زن متحمل خسارت بیشتری خواهد شد. زیرا اولاً: «مرد طبق استعداد خاص بدنی معمولاً در اجتماع

نفوذ و تسلط بیشتری دارد، و هر چند بعضی می‌خواهند به هنگام سخن گفتن این حقیقت روشن را انکار کنند اما وضع زندگی اجتماعی بشر که با چشم می‌بینیم حتی در جوامع اروپایی که زنان به اصطلاح از آزادی کامل برخوردارند نشان می‌دهد که ابتکار عمل پر در آمد بیشتر در دست مردان است. بعلاوه مردان برای انتخاب همسر مجدد امکانات بیشتری دارند ولی زنان بیوه مخصوصاً باگذشت قسمتی از عمر آنها، و از دست رفتن سرمایه‌ی جوانی و زیبایی، امکاناتشان برای انتخاب همسر جدید کمتر است. با توجه به اسن جهات روشن میشود که امکانات و سرمایه‌ای را که زن با ازدواج از دست میدهد، بیش از امکاناتی است که مرد از دست میدهد و در حقیقت مهر چیزی است به عنوان جبران خسارت برای زن و وسیله‌ای برای تأمین زندگی آینده‌ی او، و علاوه مسأله مهر معمولاً به شکل ترمزی در برابر تمایلات مرد نسبت به جدایی و طلاق محسوب میشود. درست است که مهر از نظر قوانین اسلام با برقرار شدن پیوند ازدواج به ذمه مرد تعلق می‌گیرد و زن فوراً حق مطالبه‌ی آن را دارد. ولی چون معمولاً به صورت بدهی بر ذمه‌ی مرد میماند، هم اندوخته‌ای برای آینده‌ی زن محسوب میشود، و هم پشتوانه‌ای برای حفظ حقوق او و از هم پاشیدن پیمان زنا شویی (البته این موضوع استثنایی دارد ولی آنچه ذکر شد در غالب موارد صادق است). و اگر تعضی برای مهر تفسیر غلطی کرده‌اند و آن را یک نوع «بهای زن» پنداشته‌اند ارتباط به قوانین اسلام ندارد، زیرا در اسلام مهر به هیچ وجه جنبه‌ی بها و قیمت کالا ندارد و بهترین دلیل آن همان صیغه‌ی عقد ازدواج است که در آن رسماً مرد و زن به عنوان دو رکن اساسی پیمان ازدواج به حساب آمده‌اند، و مهر یک چیز اضافی و در حاشیه قرار گرفته است، به همین دلیل اگر چه در صیغه‌ی عقد اسمی از مهر نبرند، عقد باطل نیست، در حالی که در خرید و فروش و معاملات، اسمی از قیمت برده نشود مسلماً باطل خواهد بود، (البته باید توجه داشت اگر در عقد ازدواج نامی از مهر برده نشود شوهر موظف است که در صورت آمیزش جنسی، مهرالمثل یعنی مهری همانند زنان که هم طراز او هستند بپردازد) از آنچه ذکر شد نتیجه می‌گیریم که مهر جنبه جبران خسارت و پشتوانه برای احترام به حقوق زن دارد، نه قیمت و بها و شاید تعبیر به نحل به معنای عطیه در آیه اشاره به این قسمت دارد. (۱۸) در تفسیر پرتوی از قرآن آمده است: اضافه صدقات به ضمیر هن اختصاص و حق ثابت آنان را می‌رساند. «فان طبن» تأکید حق «و اتوا النساء» است و به جای «ان رضین» مشعر رضایت درونی و خشنودی دارد چون می‌شود رضایت به چیزی ناشی از علل موجبات خارج از نفس باشد چنان که اگر زندگی بر او تنگ شود که ناچار رضایت دهد. «عن شی» به معنای گذشت کم و بیش از صداق است. (۱۹) علامه طباطبایی (ره) فرموده است: اگر می‌بینید که کلمه‌ی «صدقات» را به ضمیر زنان «هن» اضافه کرده به جهت بیان این مطلب بوده که وجوب دادن مهر به زنان مسأله‌ای نیست که دین اسلام آن را تأسیس کرده باشد بلکه مسأله‌ای است که اساساً در بین مردم در سنن ازدواجشان متداول بوده است. سنت خود بشر بر این جاری بوده و هست که پولی و یا مالی را که قیمت داشته باشد به عنوان مهریه به زنان اختصاص دهند و کانه این پول را عوض عصمت او قرار دهند. همانطور که قیمت و پول کالا (خرید و فروش) در مقابل کالا قرار می‌گیرد معمول و متداول در بین مردم این است که خریدار پول خود را برداشته و نزد فروشنده می‌رود همچنین در مسأله ازدواج هم طالب و خواستگار مرد است، او است که باید پول خود را جهت تهیه حاجت خود برداشته و به راه بیفتد و آن را در مقابل حاجتش بپردازد. (۲۰)

«در کتاب نظام حقوق زن در اسلام در مورد فلسفه مهر آمده‌ای به عقیده ما پدید آمدن مهر نتیجه تدبیر ماهرانه‌ای است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها بیکدیگر بکار رفته است

نوع احساسات زن و مرد نسبت بیکدیگر یک جور نیست، قانون خلقت مجال و غرور و بی‌نیازی را در جانب زن و نیازمندی و طلب و عشق و تغزل را در جانب مرد قرار داده است ضعف زن در مقابل نیرومندی بدنی به همین وسیله تعدیل شده است و همین جهت موجب شده که همواره مرد از زن خواستگاری می‌کرده است

مهر، با حیا و عفاف زن یک ریشه دارد؟ زن با الهام خطری دریافته است که عزت و احترام او بایست که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد و با من للاح شیرین نفروته» (۲۱)

- (۱) دکتر حسن صفایی، حقوق خانواده، ج ۲، قم، دادگستر، ۱۳۷۸، ص ۱۴۸ و همچنین ر.ش به لغتنامه‌ی دهخدا ذیل واژه‌های مهر و مهریه.
- (۲) دکتر محمد خزائلی، احکام قرآن، ج ۱، تهران، جاویدان، ۱۳۵۳، ص ۴۷.
- (۳) ر.ش: فرهنگ موضوعی قرآن مجید. تألیف کامران فانی و بهاء‌الدین خرّمشاهی .
- (۴) دکتر محمد خزائلی، احکام قرآن، پیشین، ص ۴۷ .
- (۵) مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، پیشین، ص ۱۸۷.
- (۶) سوره‌ی مبارکه، بقره آیه‌ی ۲۳۷.
- (۷) و آتوا النساء صدقاتهنّ نحلهً»
- (۸) مرتضی مطهری، پیشین.
- (۹) محمد خزائلی، احکام القرآن، پیشین، ص ۴۷.
- (۱۰) مرتضی مطهری، پیشین، ص ۴۷ .
- (۱۱) وسائل، ج ۱۴، ص ۶۰۴.
- (۱۲) سوره‌ی مبارکه نساء آیه ۴.
- (۱۳) وافی / نکاح / ۱۱۰.
- (۱۴) وسائل، ج ۱۴، ص ۲۶.
- (۱۵) محمد خزائلی، پیشین، ص ۴۸.
- (۱۶) محمد خزائلی، پیشین، ص ۴۸.
- (۱۷) علامه برقی، احکام القرآن، قم، مطبوعاتی عطایی، ص ۶۰۸.
- (۱۸) آیت الله ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۳، قم، مدرسه‌ی الامام امیرالمؤمنین، مطبوعاتی هدف، ص ۲۶۳.
- (۱۹) آیت الله سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، ص ۲۰ .
- (۲۰) علامه سید محمد طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، پیشین، ص ۲۶۹.
- (۲۱) متفکر شهید استاد مطهری «رحمة الله» نظام حقوقی زن در اسلام. ۲۳۱